



اصفهان، شهر انعکاس‌ها

حمید سهیلی مظفر

اصفهان، شهر انعکاس‌های پنهان و آشکار، شهر پژواک‌ها و بازتاب‌ها، شهر نقش‌ها و تصویرهاست. در این شهر افسانه‌ای مشرق زمین و هزار و یک شب، با نمونه‌های متعددی از انعکاس آثار گوناگون در آب، در آئینه و شیشه، انعکاس‌های صوتی و آوایی، انعکاس طرح‌ها، نقوش، علائم، تزئینات، وارو نویسی‌ها، چاپ نویسی‌ها، معکوس نویسی‌ها، قرینه سازی‌ها، اعداد، آئین‌ها، آداب و مراسم و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی روبه رو هستیم که هر یک طرح و تصویری جادویی و خیال انگیز از این شهر کهن بر جای می‌گذارند.

انعکاس در آب

در اصفهان، زاینده رود، تصاویر متعددی از پل‌ها، انسان‌ها، گیاهان، پرندگان و ابرها را بر سطح نمای خود باز می‌تاباند و منعکس می‌کند. این بازتاب، از طریق مادی‌ها (جویبارهای منشعب از زاینده رود)، تا به دورترین نقاط و فضاهای شهری، تا به سنگاب‌ها و آب نمای صحن مساجد و مدارس و کاخ‌ها گسترده می‌شود و طرح و تصویری چشم نواز و زیبا از گنبدها، گلدسته‌ها، ایوان‌ها، ستون‌ها، سر ستون‌ها، خطوط و نقوش کاشیکاری‌ها و گچ بری‌ها برجا می‌گذارد، که از مشهورترین آن‌ها انعکاس بیست ستون، در آب نمای مقابل عمارت چهل ستون است.

انعکاس در آئینه

در عمارت چهل ستون اصفهان و بناهایی که به دنبال آن ساخته می‌شوند، آئینه‌ها، تصویرگر جهان واقعی پیرامون خویشند. این آئینه‌ها که در دوران صفویه از ونیز به ایران آورده شده و در بناها نصب گردیده‌اند، به گونه‌ای صاف تر، مستقیم تر و دقیق تر، جهان مادی را آن چنان که هست، به عینه تقلید و منتقل می‌کنند.

"مرا حسرت هیچ چیز اصفهان نیست جز آب زلال میگونش و نسیم صبا و گذرگاه‌های پیچان باد و آسمانش که در هر حال صاف و بی‌ابر است." "البدان"

انعکاس‌های صوتی و آوایی

تکرار و بازگشت صدا، در فضای وسیع گنبد خانه مسجد امام (مسجد جامع عباسی)، به همراه پژواک و طنین موسیقی در فضای پر تزئین و گچبری شده طبقه ششم عمارت عالی قاپو و صدای چهچه و آواز در زیر پل‌های خواجه و سی و سه پل، که با ترنم دل پذیر امواج زاینده رود آمیخته می‌شوند، همگی نشانه‌هایی از انعکاس صوتی و آوایی در اصفهان اند.

انعکاس طرح‌ها و نقوش

میدان نقش جهان اصفهان، از برجسته‌ترین فضاهای شهری جهانست. در این میدان، شکل‌گیری سه نیروی قدرتمند زندگی اجتماعی "اقتصاد، حکومت، مذهب" و انعکاس نمادین این نیروها در قالب بناهای ساخته شده بر گرد میدان، به پیشرفته‌ترین و موزون‌ترین شکل الگویی خود، در دوره صفویه می‌رسد. این طرح، که متأثر از نمونه‌ای قدیم تری چون تخت جمشید دوره هخامنشی، شهر بیشاپور دوره ساسانی، میدان کهنه اصفهان سده پنجم هجری، میدان ریگستان سمرقند سده نهم هجری و میدان صاحب آباد تبریز سده دهم هجری است، در میدان نقش جهان اصفهان به کمال آرمانی و الگویی خود می‌رسد و در ادامه، بر فضاهای شهری و میدان‌های پس از خود، نظیر میدان ارک، میدان توپخانه و میدان بهارستان تهران دوره قاجار، سایه می‌افکند و تأثیر می‌گذارد.

تأثیر روند تحولات معماری ایرانی بر مساجد سده‌های اولیه هجری (مراحل شیبستانی، گنبد دار، ایوانی) و انعکاس آن بر ساختمان محراب‌ها، که در شاخص‌ترین و برجسته‌ترین نمونه‌های شکلی‌اش، در محراب اولجایتو مسجد جامع اصفهان ظاهر می‌گردد، طرح روشنی از بازتاب ستون، گنبد، ایوان را بر سطح نمای این محراب نفیس، جلوه‌گر می‌سازد.



* طرح "هشت گوشه"، به نشانه جهت‌های هشت گانه جغرافیایی عالم و هشت در باغ بهشت، و استفاده از آن در معماری مزارها، مقابر، کاخ‌ها، اعیانی‌ها، بناهای مسکونی، کاروانسراها، فضاهای شهری و نقشه شهرها، نشانه تداوم این طرح هندسی، فلسفی و تکرار آن در طول زمان است. نمونه‌ها: گنبد عالی ابرقو، برج‌های خرغان قزوین، گنبد جبلیه کرمان، گنبد توران پشت یزد، گنبد کیبود مراغه، گنبد سلطانیه زنجان، برج امام زاده جعفر اصفهان، برج علی آباد کاشمر، قدمگاه نیشابور، بقعه خواجه ربیع مشهد، عمارت هشت بهشت اصفهان، قصر خورشید کلات نادری، آرامگاه کریم خان زند شیراز، کاروانسرای خان خوره، ده بید و امین آباد شیراز، کلاه فرنگی قصر فخر و تعدادی از کلاه فرنگی‌های قاجاری تهران، نقشه تهران ۱۳۰۹ هجری قمری، آرامگاه حافظ شیراز، نقوش تزئینی هندسی و گره چینی‌ها و فضای هشتی ورودی خانه‌ها.

* در مسجد جامع اصفهان، طرح کامل و کوچک شده ایوان غربی، به طرز موزونی بر سطح نمای ایوان شرقی، بازسازی و منعکس شده است. در این مسجد، برخی از کتیبه‌ها و نقوش، وارو نویسی، چپ نویسی و معکوس نویسی شده‌اند.

* در عمارت‌های عالی قاپو، چهل ستون و هشت بهشت اصفهان، تصویر آب نمای کف ایوان و تالار اصلی، به قرینه در فضای سقف طراحی و منعکس شده است.

* در عمارت چهل ستون اصفهان عصر صفوی، ستون‌های ایوان ورودی، یادآور ستون‌های کاخ آپادانای تخت جمشید دوره هخامنشی‌اند.

* طرح ساده و اولیه‌ی شهرهای تبریز و قزوین اوائل دوره صفویه، مقدمه و تمرینی است برای شهر اصفهان سده یازدهم هجری، که در آن شبکه هندسی یکپارچه و منظمی با مقیاسی وسیع بر سطح شهر طراحی و اجرا می‌شود. این طرح کامل و الگویی در ادامه، بر بافت شهرهای کرمان، شیراز، کاشان، تهران، تبریز و اردبیل تاثیر می‌گذارد و تکرار می‌گردد.

* تاثیر ساختار شهرسازی سنتی "کهندژ، شارستان، ریض" بر باغ‌های ایرانی، از نمونه‌ی دیگر انعکاس‌ها و تکرارها در شهر اصفهان است. در باغ چهل ستون اصفهان، ساختمان کوشک یا عمارت میان باغ، شبیه کهندژ، گیاهان و گل‌های فضای باغ نظیر شارستان و زمین‌های بیرون باغ، مانند ریض عمل می‌کنند و طرحی از تقسیمات قلعه شهرهای تاریخی را به تماشا می‌گذارند.

* باغ شهرها و چهار باغ‌های هرات و سمرقند عصر تیموری، که از نمونه‌های قدیم تری چون باغ کاران و

باغ نقش جهان اصفهان سلجوقی، باغ‌ها و بوستان‌های ساسانی، باغ‌های پاسارگاد هخامنشی و باغ‌های بین النهرین تاثیر پذیرفته‌اند، خود بر باغ سازی و چهارباغ النهرین دوره صفویه تاثیر می‌گذارند.

* حضور گل‌ها و گیاهان و پرندگان باغ در زندگی شهری و روستایی و انعکاس این طبیعت رنگین بر نقوش برجسته سنگی، آجرهای تزئینی منقوش، کاشیکاری گنبدها و گلدسته‌ها، گچبری محراب‌ها، آئینه کاری ایوان‌ها و تالارها، نقاشی‌های دیواری، کتیبه‌ها، تزئینات چوبی و فلزی درها و پنجره‌ها، شیشه‌های مشجر رنگین، قالی‌ها و بافته‌های پر نقش و نگار، گونه دیگری از انعکاس طبیعت بر زندگی انسان است.

* تاثیر فرهنگ و تمدن اقوام غیر بومی و مهاجر، بر ساکنان بومی منطقه، از نظر لهجه و گویش، آداب و رسوم، ذوق و سلیقه، روحیه و رفتار، پوشاک، تناسبات و اندازه‌ها، رنگ‌ها، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، موسیقی، نگارگری، خوشنویسی، معماری و شهرسازی و سایر پدیده‌های زندگی اجتماعی، شاخه مهمی از انعکاس و تکرار را در تاریخ گذشته اصفهان بازگو می‌کند.

* در اصفهان، بسیاری از آداب و مراسم سنتی، نظیر جشن آب پاشان (تیرماه)، مراسم سایه بندان (مهرماه)، مراسم کریسمس (دی ماه)، مراسم چهارشنبه سوری (اسفندماه)، مراسم نوروز و سیزده بدر (فروردین‌ماه) و اعیاد مذهبی و مراسم سوگواری ماه محرم، همه ساله به طور منظم، تکرار و منعکس می‌گردند.

* در اصفهان، بسیاری از خانواده‌های صنعت گر و هنرمند در نسل‌های پیاپی و پدر در پسر، هنر و صنعت گذشتگان را آئینه وار تکرار و منعکس می‌نمایند. نمونه، خانواده استاد مصدق (کاشیکار) و خانواده حاج مصور الملکی (نقاش) در اصفهان‌اند که تداوم صنعت و هنرشان به دوران صفویه می‌رسد. از دیگر خانواده‌های صنعت گر و هنرمندی که در فاصله‌ی سده‌های اواخر ششم تا اوایل هشتم هجری قمری در کاشان می‌زیسته‌اند به خاندان ابی طاهر (سفالگر) باید اشاره کرد که در طول یکصد و پنجاه سال، برجسته ترین آثار سفالی و محراب‌های کاشی کاری شده را طراحی و اجرا نموده‌اند.

* گذر از جهان عینی به جهان ذهنی، از کیفیت‌های ملموس و مادی به کیفیت‌های روحی و معنوی، از ماده خام و بی‌شکل به پدیده‌های متفکرانه و منظم شده، از آثار ساده و کم تزئین به نمونه‌های پرکار و پر تزئین، از سادگی به پیچیدگی و از بی نظمی به نظم، مسیری است که تاریخ حیات اجتماعی شهر اصفهان، به صورت‌های گوناگون و به دفعات، آن را

منعکس و تکرار نموده است.

* مقایسه دو بنای معبد چغازنبیل دوره ایلامی و عمارت هشت بهشت عصر صفوی نشان می‌دهد که چگونه پس از گذشت سه هزار سال، بناهای وزنی، توپر، حجیم، سنگین، بسته و تاریک، با حداقل گردش هوا و نور، با طرح‌های مربع و متقارن نظیر زیگورات چغازنبیل در خوزستان، سرانجام به بناهای توخالی، کوتاه، سبک، روشن و باز و پر روزن، با چرخش و تهویه هوا، با دید رو به درون و بیرون، با طرح‌های پر تزئین و متنوع و اشکال هندسی و فضایی مانند عمارت هشت بهشت اصفهان، تغییر شکل می‌دهند و در این مسیر، حرکت دائمی و تکاملی کاهش ماده و افزایش فضا و معنا را از گذشته‌های دور تا به زمانه معاصر، در معماری ایرانی، منعکس و نمایان می‌سازند.

* در اصفهان، اکثر اسامی خاص، دو بخشی و متقارن‌اند و در آن‌ها اعداد، حضوری چشم‌گیر دارند. نظیر: چهار باغ، هشت بهشت، سی و سه پل، چهل ستون، چهل دختر، هزار جریب، زاینده رود، نقش جهان و عالی قاپو. در این میان، انعکاس و تکرار عدد سی و سه، که از شرق کهن و از هند می‌آید و عدد چهل، که از آسیای غربی و اقوام سامی نشأت گرفته، بر پهنه وسیعی از دنیای قدیم تاثیری نافذ و گسترده از خود بر جای می‌گذارد که نمونه‌هایی از آن را در مثال‌های زیر می‌توان جستجو نمود:

تقسیم آب سرچشمه‌های زاینده رود به سی و سه سهم توسط تومار شیخ بهایی / ساختمان سی و سه پل / اذانه‌های تسبیح، که به تعداد سی و سه و یا مضربی از آن است / حروف الفبای فارسی به تعداد سی و سه حرف / اسفند و اسفند دونه، اسفند سی و سه دونه / سی و سه تخم مرغ، که در مراسم آئین زرتشت بر سفره گذاشته می‌شود / سی و سه سکه، که در عروسی به کمر داماد بسته می‌شود / سی و سه راه گناه / سی و سه راه ثواب / سی و سه راهی که به بهشت می‌رود / سی و سه امشاسپند / سی و سه بند که زرتشت با آن بسته می‌شود / سی و سه خدا (ایزد) در آئین‌های هند باستان، که مورد احترام و تقدس بسیار بوده‌اند و همچنین، بارش شهاب‌های آسمانی که هر سی و سه سال یکبار به حداکثر شدت خود می‌رسد و در میان اقوام و ملل مختلف ایجاد وحشت و هراس بسیار می‌نماید، که آخرین آن به نام بارش شهاب اسدی در آبان ماه ۱۳۷۷ اتفاق افتاد. عدد سی و سه، بر فرهنگ ملل اروپایی نیز تاثیر گذاشته و تکرار آن را در کم‌دی الهی دانته، در دوزخ، برزخ، بهشت که هر کدام به سی و سه چکامه یا سرود تقسیم شده‌اند، می‌توان سراغ گرفت.

* عدد چهل نیز همچون عدد سی و سه، بر پهنه گسترده‌ای از دنیای قدیم تاثیر می‌گذارد و در قالب نام‌های گوناگون، در نقاط مختلف ظاهر می‌گردد. نظیر: چهل گرد (چلگرد)، چهل چشمه، چهل ستون، چهل منار، چهل تن، چهل مقام، چهل دختر، چهل گیس، چهل شمع، چهل کلید، چله، چله نشینی، چهل پنجره و چهل دزد بغداد.

* نقوش نمادین تکرار شونده‌ای چون درخت زندگی، گل نیلوفر، درخت سرو، نبرد شیر و گاو، شکل پلکانی زیگورات‌ها، صلیب شکسته و دهها نقش و طرح دیگر، از مثال‌های شاخص و برجسته انعکاس و تکرار در هنرها و صنایع دستی اصفهان‌اند.

* بر سردر قیصریه بازار اصفهان، تصویر سوارکار کمان کشیده‌ای به شکل انسان اسب و به صورت متقارن، بر کاشی کاری معرق نقش بسته که در آن سوارکار کمان بدست، با تیر، دم خود را که به شکل اژدهای آتشین است نشانه گرفته است. این تصویر، طالع نجومی و فلکی شهر اصفهان و مربوط به سال ۳۳۰ هجری قمری و زمانی است که ماه در صورت فلکی قوس یا کمان قرار گرفته بود و در آن تاریخ شهر اصفهان، از اندازه قبلی خود به حدود بیست و یک هزار گام گسترش پیدا کرد. این تصویر، احتمالا حکایت از تقابلی تاریخی آئینی، میان ماه و خورشید دارد که در آن، سوارکار کمان بدست (که نماد ماه است) با آتش دم خود (که نماد خورشید است) پیکار می‌کند تا آن را از خود دور کند و از میان بردارد.

